

خیلواکی



استقلال

[www.esteqlaal.net](http://www.esteqlaal.net)

چهارشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰

ناتور رحمانی

## جلسه میران و امیران

آدمها!؟

امیرمقتدر -- امیرمفرور -- امیرمزور -- امیرمغموم -- امیرمخلوع -- امیرمرشد -- امیرمخدوم --  
امیرمعیوب -- امیرمسموم -- امیرمسار -- امیرمجنون -- امیرمنفور -- امیرمخرب -- امیرمعدوم --  
امیرمخور -- امیرمعزول -- امیرمکتوم و منشی جلسه .

زمان : از دیروز تا امروز .

مکان : یکی از کاخ های انتخابی در هرگوشه دنیای وابسته به مرام تجاوز به حقوق ملل .

بیان صحنه : این جلسه به اساس فراخوان امیرمقتدر و شرکاء، امیرمفرور و امیرمزور بخاطر گرفتن رأی اعتماد از میران و امیران درگیر مسئله افغانستان و انتخاب امیر جدید راه اندازی شده بود. گرچه همه از پیش میدانستند که امیر انتخابی کی و کجائست ؟

مگر با آنهم ( سیاست، سیاست است و چنین شعبده بازی ها را ایجاب مینماید .... )  
آنروز پرده های حریری کاخ مرمین نمیتوانست چیزی را پنهان نماید . انوار ملایم خورشید از ورای شیشه های بزرگ پنجره ها روی هربخش از تالار گرد طلا می پاشید و آدمهای رنگارنگ نشسته روی چوکی های آبنوس با تفاوت سلیقه ها و آرایش ها در آن هنگامه ( سیاه سی ) در اصل دارای یک مفکوره و یک اندیشه بودند و زیاد به همدیگر تبنانی داشتند. فکر گرد آوری طلا و

انباشتن تمام طلا های دنیا آنها را زیر یک سقف جمع کرده بود . آنها میخواستند مالک همه طلا ها باشند، حالا فرق نمی کند این طلا ها چه رنگ داشته باشند، زرد ، سپید یا سیاه ... و برای حصول آن طلا ها چه مقدار ذلت ، حقارت، خودفروشی ، خیانت و یا جنایت لازم است. فقط طلا و طلا . بنابراین برای بدست آوردن هدف تعلقات رنگ ، بو ، نژاد ، مذهب ، زبان ، قوم غیره و غیره را بریده بودند.

همین تشنه گان خون همدیگر، امروز به سر و پیکر هم عطر محبت می پاشیدند ، گل میگفتند و گل می سفتند . قرار معلوم ( امیر معیوب ) در دارالامارت کابل عمر زمامداری اش به آخر رسیده بود چون آن شلاق بردار متمرّد از تحویل دادن ( میرمکتوم ) به ( امیرمقتدر ) سرباز زده به بهانه رسم اسلامی و اخوت، لازم ندانست تا آن مهمان فتنه انگیز ، شریر و به اصطلاح دشمن صلیب کامل یا صلیب شکسته را تسلیم نماید . دودیدگر اینکه نخواست و یا نتوانست پاسدار پایپ های نفت یا طلای سیاه گردد که قرار بود از آنطرف آمو دریا با عبور از روی سینه خاک آلوده به خون و خاکستر به بشکه های امیرمقتدر و شرکاً بریزد . پس باید هرچه زودتر آن امیرک معیوب ساخته شده و نصب گردیده از سریر امارت و قدرت فرود آورده شود، لذا جلسه بزرگ و پر سر و صدا که هر حرف از اجندای آن با دهل و نغاره هزار بار تبلیغ و اعلام گردیده بود، امروز در آن تالار برگزار گردید .

منشی آغاز جلسه را اعلان نمود . میران و امیران جمع شده از کابلستان و دیگر جای ها به مجرد شنیدن آواز منشی، آنهایی که روی چوکی چندک نشسته بودند، خود را موزون ساختند و آنهایی که نصور پیچیده به کاغذ تشناب را در کومه داشتند، با تردستی به دستمال های ابریشمی ، خامک دوزی و گل سیب تقو نمودند و عده هم گره های نکتایی های نا آشنا با گردن شانرا محکم تر کردند و همه گوش به زنگ ساکت شدند .

منشی اجندای مجلس را باز خواند، گرچه همه حاضرین از محتوای آن خبر داشتند !!

**منشی** – حضار بلند مرتبت بالاتر از خیال . میران و امیران خرد و بزرگ ، جور و ناجور کابلستان !!

گردهمایی امروز ما در سر زمین صلیب شکسته به منظور دفاع از حق آزادی و انسانی ( ملت مظلوم ) افغانستان است . مردمی که واضحاً زیر فشار ستم و قانون بربریت خرد و خمیر گردیده اند . بویژه در مقابل زنان، آنگونه رویه غیر انسانی و وحشیانه صورت میگیرد که سر و صدای اعتراض جهانیان را بلند نموده است که قریب است باعث آبرو ریزی شود .

**امیرمخدوم** – ( بدون اینکه اجازه بخواد گلو را صاف نموده بانگ برداشت ) مگر از ملت مظلوم کسی درین تالار نیست تا مدعی گردد .

**امیرمرشد** – ملت مظلوم عقب دروازه های بسته قرار دارند . آنها را کسی دعوت نکرده چون نه شاه خیل استند و نه عروس خیل. ( خنده )

**میرمعدوم** – آنها مردم با فراست استند و میدانند که در غیاب شان چه فیصله هائی صورت میگیرد و نتیجه چه خواهد بود . آنها مظلوم نیستند. آنها در ادوار مختلف شهادت و شجاعت خود را نشان داده اند .

آنها پشت بزرگترین ابرقدرت ها را بر زمین زده اند و پوز شانرا بخاک مالیده اند، مگر ....

**منشی** – جناب میرمعدوم ! شما با وجدان کسی دیگری حرف میزنید .

**میرمسما** – بلی. مگر آن مردم توسط ما ابرک قدرت های داخلی بیچاره گردیده و به زانو افتاده اند .

**میرمجنون** – اما هنوز نشکسته و زیون نشده اند . عجب سخت جان استند مثل آتش زیرخاکستر و یا ببر خفته اند، یکروز نی یکروز بیدار شده شعله ورمی کردند .

**منشی** – شما با این سفته گویی ها وقت مجلس را تلف نموده از موضوع خارج میشوید. توجه نمایید ما لازم ندانستیم از ملت مظلوم ( ببخشید حالا آنها را به همین نام یاد میکنیم ) کسی را اینجا دعوت کنیم و نه ضرورت است که از آنها در مورد سرنوشت شان نظر شانرا بخواهیم .

**میرمسموم** – مگر جناب منشی قسمی که من اطلاع دارم درین جلسه زیر نام دموکراسی ، عدالت اجتماعی ، وحدت ملی و آزادی برای آن ملت مظلوم، امیر جدید انتخاب میگردد . پس لااقل باید از آنها پرسیده شود که کی را زعیم خویش انتخاب مینمایند .

**منشی** -- ضرورت به سوال از آنها نیست. این کار ماست که کی را انتخاب کنیم و آنها مجبور اند قبول نمایند.

مگر در گذشته ها چنین نبوده ؟ به تاریخ کشور خویش نظر کنید، کم از کم در یک صد سال کدام امیر را مردم انتخاب کرده اند؟؟ همه آنها وارد شده از خارج ، دست نشانده ، و اجیر بوده اند . آیا شما منکر این واقعیت استید ؟

**امیرمرشد** – بخدا که شما راست میگویید. مگر ما در بین خود کسی را نمی بینیم که سرش ارزش کلاه اش را داشته باشد . اگر با انتخاب یکی از ما باز قصه رفتن ما از پاکستان به کابلستان

تکرار شد مُلک و مردم تباه گردید باز چه ؟ خدا زده ها من را نگذاشتند که مزه امارت خود را بفهمم . فقط چند ماه گک بود و بس .

**میرمعدوم** – امیرصاحب مرشد ! لازم نیست دامن خود را بالا کنید و بیشتر ازین ما را شرمنده بسازید .

**امیرمرشد** – شما شرمنده استید . خدا و رسولش شما را شرمانده است . نی شما کی شرم دارید . دیروز با ریش و پکول حق ملت مظلوم را پایمال کردید و امروز میخواهید همان کار را با کف و کالر بکنید .

**منشی** – میران و امیرصاحبان ! ممنون میشوم اگر نزاکت مجلس را مراعات نمایید . مطمئن باشید از بین شما هیچ کدام امیر کابلستان انتخاب نخواهد شد . زیرا شما امتحان خود را داده اید و حنای شما دیگر رنگ ندارد . ما نظر به امر و فرمایش مقامات صالحه و با درنظرداشت منافع شرکاً در شرق و غرب مدت ها پیش از امروز امیر کابلستان را انتخاب ، تربیه و آماده ساخته ایم .

**میران و امیران** – ( یکصدا ) او کیست ؟ کجائست ؟؟

**منشی** – اسم مبارک شان ( امیرمغموم ) است . یک امیرحرف شنو و کاردان که میتواند اسارت را آزادی و دیکتاتوری را دموکراسی وانمود نموده و مطابق دستور قدم بگذارد . بنابراین امیران شرق و غرب را با این گزینش کوچکترین تشویش و ناراحتی در اندیشه نیست .

**میرمجنون** – ما راضی . مگر منشی صاحب چرا ( مغموم ) استند ؟

**منشی** – چون ایشان زیاد غمگین و اندوه زده اند زیرا هیچ کاری را به میل و خواست خویش انجام داده نمی توانند .

**امیرمخدوم** – پس ما چی ؟

**منشی** -- شما هم مثل سیاهی لشکر درین فلم نقش دارید و به یک قسم نی یک قسم ، چون مُهره ها در ماشین دولت جدید جابجا خواهید شد .

**میرمخمور** – مگر نمی توانستید عوض این مردک با ( امیرصاحب مخلوع ) در ایتالیا به موافقه برسید ؟

**امیرمرشد** – اسم او را بر زبان میار که دلم از دست او و خاندانش مالامال خون است .

**میرمسما** – شما چرا ناسپاس و حق فراموش استید . امتیازاتی که آن امیر مخلوع و خاندانش به شما و خاندان شما داده اند درج تاریخ است .

**امیرمرشد** – بلی . شما از تاریخ حرف میزنید ؟ ارواح ( بچه افضل ) خشنود ....

**منشی** – خواهش میکنم خاموش باشید . در مورد آن امیرمخلوع . ما از وجود شان به صفت یک ریش سفید در پیاده کردن مرام خود استفاده خواهیم نمود. مگر در مورد برکشیدن شان تا سطح امارت ما مرتکب این اشتباه نمی شویم، زیرا ایشان عادت به خوشگزرانی و تنبلی دارند وقتی در دوران چهل سال امارت خویش که جوان هم بودند برای مردم و وطن خویش کاری قابل ملاحظه نکردند، حالا چه خواهند نمود. گذشته ازین حرف ها او حالا به یک فوسیل مومیایی شده تبدیل گردیده و شایستگی این مقام را ندارد .

**امیرمخدوم** – با اجازه حالا که همه گپ ها فیصله شده . امیرصاحب هم انتخاب گردیده اند . دولت تشکیل و قانون برای آن ملت مظلوم ساخته شده است ما باید مانند سیاهی لشکر در رکاب شان باشیم، پس مزد آن همه دویدن های اینطرف کوه و آنطرف کوه ها چی ؟ رقیب سرسخت امیرصاحب مقتدر روس ها را به شکست مواجه ساخته و توته توته نمودیم در آخر باید سیاهی لشکر شویم؟؟

**میرمجنون** – امیر صاحب زیاد لاف اینطرف و آنطرف کوه ها را نزن . ما تمام داستان فلم را میدانیم . در دوران زمامداری شما آدم آدم را میخورد و از برکت همان شر و فساد، حالا اگر تانک ندارید، چندین بانک دارید دگر چه ؟

**امیرمخدوم** – مگر شما چه ؟ تمام گنج های سمت شمال در خزانه شماست. فکر میکنی همه را از آبله کف دست و جرقه ولدنگ پیدا نموده اید ؟ اگر آینه ندارید که خود را ببینید ، درین تالار آینه های تمام نما زیاد است.

**میرمسما** – برادران عزیز ! امیران تاجدار و بی تاج !! شما مردمان زرنگ استید و میدانید که سکوت پرده دار ماست. همه ما خدا و وسع از زمین تا آسمان آن دیار را قبضه کردیم، دگر لازم نیست با اعترافات شرم آور بیشتر ازین خود را شرمزده و رو سیاه بسازیم .

**امیرمرشد** – ما چی را پنهان کرده میتوانیم. امیرمقتدر و امیرمزور یکی در شرق و دیگری در غرب همه کارنامه های ما را میدانند " پیش دایی چه ... پناهی " .

**میرمخمور** – از همه گپ ها که بگذریم، جناب محترم منشی صاحب نگفتید که اینبار با کدام روی ، به چه بهانه و به کدام عنوان میتوانیم داخل آن خاک شویم ؟

**میرمسموم** – با پررویی مثل سابق .

**منشی** – شما میدانید من زبان امیرمقتدر استم که با تباری زبان امیر مفرور و امیر مزور درین جلسه حرف میزنم. آنها با موافقه هم در قصرسفید ، بکنگهام و اسلام آباد براین نیت اند که شما

آدمک ها هم میتوانید کارگزار آن دولت نام نهاد باشید که ما به سرکرده گی امیرمغموم در صدد ساختن آن استیم . بدون وجود مبارک شما این آش پخته نخواهد شد . بلی از کابینه تا شورا از پارلمان تا قضاء همه بوجود شما ملوث خواهد گردید .

**میرمعدوم** – چه فرمودید ملوث ؟

**منشی** – با معذرت منظور من ملبس بود نه ملوث .

**امیرمرشد** – منظور شما هرچه بوده بجا بوده . دگر چه فرمایش ؟

**منشی** – دگر اینکه بعد از قضیه یازدهم سپتامبر و واژگون شدن برج های تجاری هم شکل توسط هواپیما های خودی . حالا هرچه فکر میکنید دوستانه بوده یا دشمنانه مهم نیست . مهم اینست که امیران شرق و غرب با بهانه جنگ با تروریزم و ردیابی میرمکتوم و امیرمعیوب نمک پرورده های شان و دور ساختن آنها از ساحه و پنهان کردن شان در کدام حصه دنیا منحيث نیروی ذخیره برای طرح های فردای سیستم زور و - سرمایه تصمیم دارند با تمام زرادخانه های هسته ی ، اتمی ، کمیایی و تخریبی سی . آی . ای ، ام . آی . ۶ و آی . سی . آی ، زیر چتر ایساف داخل افغانستان شوند . البته برای پیاده شدن این هدف سلاح و عسکر همه ممالک ذینفع همگام خواهند بود . و شماها در عقب جبهه یا ستون پنجم خواهید بود .

اینست عنوان و بهانه برای تجاوز مستقیم بر آن سرزمین . احیای دموکراسی ، دفاع از حقوق انسان ، بویژه زن و استرداد آزادی فقط وعده های دلخوش کن و فریبنده خواهد بود و بس . راستی باید علاوه نمایم که تمام کشورهای ذیعلاقه درین راه سرمایه گزاری خواهند کرد ، آنها وعده ملیارد ها دالر کومک را نموده اند .

**امیرمرشد** – بسیار خوب فکر فرموده اند . اصل کل دالر است . بلی دالر از همه کرده لازمی تر است . من یکی با تمام طرح های شان موافق استم .

**میرمسار** – جناب منشی آیا برآستی دموکراسی اعاده میگردد که ضامن آزادی های مطبوعات است ؟

**منشی** – شما آدم بسیار خوشباوری معلوم میشوید . دموکراسی و آزادی مطبوعات بمثابة منفذی خواهد بود برای خارج شدن باد و بخار . مگر در اصل شلاق قضا و قیچی سانسور همه جا حاکم خواهد بود و ...

**میرمعزول** – خوب همه گپ ها گفته شد و ما در جریان قرار گرفتیم . اما یک موضوع مهم . شما در مورد نقش و سهم برادران هشتم ثور معلومات دادید، مگر در باره رفقای هفتم ثور چیزی نگفتید .

**منشی** – در مورد سوال شما به این نکته اشاره میکنم، دویی در بین دوستان مجاز نیست . امیدوارم مطلب را دریافته باشید . خوب کدام نظر ، پیشنهاد ؟

**میران و امیران** ( همنظر با هم ) ما همه موافق استیم . به پیش بسوی مرحله نوین تر از نوین .  
**منشی** – با اجازه امیران و میران خرد و کوچک جلسه امروز را با اکثریت آرای ملت مظلوم در مورد انتخاب امیر جدید خاتمه اعلام میدارم. اما قبل از اینکه تالار را ترک نمایید باید به رسم وفاداری سوگند یاد نمایید که دوباره به جان هم نیافتاده و برنامه های امیران هواخواه تانرا خراب نسازید .

**امیرمخدوم** – ما ازین قسم ها زیاد خورده ایم، حتی در خانه خدا، مگر باز هم سوگند میخوریم که

....

**امیرمرشد** – از شاعر بشنوید:

**طاعات منکران طریقت قبول نیست ----- صد بار اگر به چشمه زمزم وضو کنند**

**میرمسما**—باز هم از شاعر:

**دوزخ تلافی گنه ما نمی کند ----- ما را اگر به نامه ما روبرو کنند**

ادامه دارد